

## سوالات خط به خط درس یازدهم

### ۱- منظور از دوره متقدم، میانه و متأخر را بیان نمایید.

پاسخ: سه دوره فلسفه اسلامی عبارتند از ← دوره متقدم: از آغاز اسلام تا قرن چهارم هجری (فارابی بزرگترین فیلسوف این دوره است)  
 ← دوره میانه: از قرن پنجم تا قرن دهم (ابن سینا در ابتدای آن طلوع کرد - شیخ اشراق هم در این دوره قرار دارد)  
 ← دوره متأخر: قرن یازدهم تا عصر حاضر

### ۲- علم کلام چه علمی است؟ متکلمان چه موضعی نسبت به فلسفه داشته‌اند؟

پاسخ: فلسفه از همان ابتدا رقیبی به نام علم کلام داشت. دانشمندان علم کلام (متکلمین): خواهان دفاع از معارف دینی از طریق استدلال بودند. متکلمین با فلاسفه مخالف بودند و از آنان انتقاد می‌کردند.

### ۳- انتقاد متکلمین از فلسفه ابن سینا چگونه بود؟ تأثیر آن در ایران به چه صورت بود؟

پاسخ: برخی به حدی شدید بود که بعد از ابن سینا فلسفه را در بخشهایی از جهان اسلام به رکود کشاند. در ایران کمتر تأثیر داشت و فلسفه زنده ماند تا اینکه در دوره صفویه ایران به ثبات و پایداری رسید.

### ۴- نتیجه ثبات و آرامشی که در ایران در زمان صفویه ایجاد شد، برای فلسفه چه بود؟

پاسخ: در پایتخت صفویان (اصفهان) علم و دانش رونق گرفت و فلاسفه بزرگی ظهور کردند و فلسفه وارد مرحله جدیدی شد.

### ۵- چند تن از فیلسوفان مشهور زمان صفویان را نام ببرید.

پاسخ: میرمحمدباقر مشهور به میرداماد - شیخ بهاء الدین محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهایی  
 میرابوالقاسم فندرسکی مشهور به میرفندرسکی - محمد بن ابراهیم قوامی شیرازی معروف به ملاصدرا و صدرالمتألهین

### ۶- ملاصدرا در کجا متولد شد؟ سیر زندگی او از تولد تا مرگ را به اختصار شرح دهید.

پاسخ: در سال ۹۷۹ هجری در شیراز متولد شد. پدرش از رجال نامی شیراز بود. او در اصفهان به عالی‌ترین درجه حکمت رسید. سیر زندگانی ملاصدرا:  
 شیراز ← اصفهان ← شیراز ← کهک قم  
 (آغاز تحصیل) (ابتدا شاگرد شیخ بهایی بود به پیشنهاد او به درس میرداماد رفت) (تدریس در مدرسه خان) (سیر و سلوک و عبادت)  
 (میرداماد، ملاصدرا را با مشاء و اشراق آشنا کرد) (به دلیل حسادت به قم تبعید شد)  
 (رسیدن به درک جدید از معرفت)

### ۷- ملاصدرا در سالیهای متمادی که در کهک قم بود چه کرد؟

پاسخ: در قم به دلیل خلوت‌گزینی‌ها و تفکرات عمیق، جهشی بلند در جانش رخ داد و اسرار حکمت بر او آشکار شد و آنچه را با برهان درک کرده بود، به نحو برتر با شهود دریافت. پس از ۱۵ سال زندگی در قم دوباره به شیراز بازگشت. حاکم شیراز سرپرستی مدرسه خان را به او داد. ملاصدرا آن مدرسه را به کانون اصلی علوم عقلی در ایران تبدیل کرد و خود را وقف علم کرد. در ۱۰۵۰ هجری در ۷۰ سالگی هنگام بازگشت از حج، در عراق درگذشت.

### ۸- چند مورد از تألیفات مشهور ملاصدرا را نام ببرید.

پاسخ: اسفار اربعه - الشواهد الربوبیه - تفسیر القرآن الکریم - المبدأ و المعاد

### ۹- مهم‌ترین و مشهورترین اثر فلسفی ملاصدرا چیست؟ درباره آن توضیح دهید.

پاسخ: الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه: مهم‌ترین و مشهورترین اثر فلسفی ملاصدراست - مشهور به «اسفار» در نه جلد چاپ شده است دایره المعارف فلسفی ملاصدراست - با الهام از سفر چهار مرحله‌ای عارفان در چهار بخش اصلی تألیف شده است.

**۱۰- چهار سفر عرفانی عرفا کدامند؟**

کله پاسخ: ۱. سفر از خلق به حق. ۲. سفر با حق و در حق. ۳. سفر از حق به سوی خلق همراه با حق. ۴. سفر در خلق با حق

**۱۱- درباره «سفر از خلق به حق» و ارتباط آن با فلسفه ملاصدرا توضیح دهید.**

(نهایی: دی ۹۹)

کله پاسخ: سالک می‌کوشد از طبیعت و عوالم ماورای طبیعت عبور کرده و به حق واصل شود و میان او و خدا حجابی نباشد. ملاصدرا مباحث عمومی فلسفه را در بخش اول کتابش آورده است.

**۱۲- درباره «سفر با حق و در حق» و ارتباط آن با فلسفه ملاصدرا توضیح دهید.**

کله پاسخ: سالک می‌کوشد به کمک خدا، سیری در اسماء و صفات خدا نماید. ملاصدرا در این بخش به مباحث مربوط به توحید و صفات الهی می‌پردازد.

**۱۳- درباره «سفر از حق به سوی خلق همراه با حق» و ارتباط آن با فلسفه ملاصدرا توضیح دهید.**

کله پاسخ: سالک به سوی خلق بازمی‌گردد در حالی که به حق توجه دارد و همه چیز را مظهر او می‌یابد. ملاصدرا بخش سوم را به افعال خدا و ربوبیت و حکمت او اختصاص داده است.

**۱۴- درباره «سفر در خلق با حق» و ارتباط آن با فلسفه ملاصدرا توضیح دهید.**

کله پاسخ: سالک می‌کوشد به کمک حق مردم را هدایت کند و آنها را نیز سالک نماید. ملاصدرا بخش چهارم را به علم النفس و مراحل شکل‌گیری آن تا رسیدن به معاد اختصاص داده است.

**۱۵- درباره حکمت متعالیه و مشرب فلسفی ملاصدرا توضیح دهید.**

کله پاسخ: مکتب ملاصدرا که حکمت متعالیه نام دارد نتیجه تکاملی فلسفه مشاء و اشراق و همچنین انس دائمی وی با وحی قرآنی بود. به عبارت دیگر نتیجه الفت یافتن برهان عقلی، شهود قلبی و وحی قرآنی در شخصیت ملاصدرا، حکمت متعالیه بود و سرآمد فلسفه‌های قبل شد.

**۱۶- آیا بهره‌مندی ملاصدرا از عرفان و شهود یا وحی قرآنی، فلسفه او را از فلسفه بودن خارج کرده است؟ توضیح دهید.**

کله پاسخ: با اینکه ملاصدرا به شهود و وحی توجه داشت اما فلسفه او از معیارهای پذیرفته شده در فلسفه تهی نیست (همچنان فلسفه محسوب می‌شود) و به کلام یا عرفان تبدیل نمی‌شود. به دو دلیل: ۱. در مقام فیلسوف هر چه طرح می‌کند مربوط به وجود و مسائل بنیادی مربوط به آن است. ۲. دلایل متکی به استدلال عقلی است نه شهود قلبی و بیان نقلی.

**۱۷- منابع حکمت متعالیه را نام ببرید.**

(نهایی: شهریور ۹۹، دی ۹۹)

کله پاسخ: ۱. فلسفه مشاء به خصوص اندیشه‌های مستدل و قوی ابن سینا؛ ۲. حکمت اشراق، اندیشه‌های سهروردی؛ ۳. عرفان اسلامی؛ به خصوص اندیشه‌های محی الدین عربی؛ ۴. تعالیم قرآن و احادیث منقول از پیامبر(ص) و امامان(ع).

**۱۸- اصول اولیه حکمت متعالیه را نام ببرید. ویژگی این اصول چیست؟**

(نهایی: دی ۹۸)

کله پاسخ: ۱. اصالت وجود ۲. وحدت حقیقت وجود ۳. مراتب داشتن وجود

حکمت متعالیه دارای اصول و پایه‌هایی است که ←

یا مطرح شد اما نه به صورتی که ملاصدرا آنها را ترکیب کرد و کنار هم قرار داد.

**۱۹- «اصالت وجود» چه جایگاهی در فلسفه ملاصدرا دارد؟ فلسفه او را به چه نام دیگری می‌خوانند؟**

کله پاسخ: این اصل بنیادی‌ترین اصل فلسفی ملاصدرا که بر سایر مباحث تأثیر عمیق داشت و به آنها رنگ و بوی اصالت وجودی بخشیده است. به همین دلیل گاهی فلسفه صدرایی را فلسفه اصالت وجودی می‌خوانند.

**۲۰- قدم‌های فهم اصالت وجود را بیان نمایید.**

کج پاسخ: قدم اول ← در اینجا «اصالت» به معنای «واقعی» است که در مقابل آن کلمه «اعتباری» قرار دارد که به معنای واقعی و خارجی بودن و ذهنی بودن است.

قدم دوم ← از هر چیز، دو مفهوم به ذهن می‌آید: وجود یا بودن (هستی) و ماهیت (چیستی)

قدم سوم ← این دو مفهوم، غیریکدیگرند. یعنی دو مفهوم متغایر و متفاوت‌اند. مثل «انسان» و «بشر» نیستند که دو لفظ هستند با مفهوم یکسان.

قدم چهارم ← بعد از این سینا و گذشت سالیان این سؤال طرح شد: حال که یک شیء خارجی منشأ پیدایش دو مفهوم متغایر در ذهن شده، ولی خودش یکی است، این

یک شیء مصداق وجود است یا ماهیت؟

قدم پنجم ← در پاسخ به سؤال قدم قبلی دو پاسخ وجود دارد: اصالت وجود یا اصالت ماهیت.

**۲۱- منظور از «اصالت ماهیت» را توضیح دهید و کدام فیلسوف دیدگاه اصالت ماهیتی دارد؟ (نهایی: دی ۹۹، شهریور ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰)**

کج پاسخ: میرداماد - او معتقد است آن امر واقعی مصداق ماهیت است. آنچه واقعی است ماهیت است پس اصالت با ماهیت است و وجود صرفاً یک مفهوم انتزاعی ذهنی است.

اذهان عادی این نظر را می‌پسندیدند و می‌گفتند این انسان است که واقعی است نه وجود.

**۲۲- نظر ملاصدرا درباره اصالت وجود را توضیح دهید. (نهایی: فراداد ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۰)**

کج پاسخ: او معتقد است وجود است که اصیل و واقعی است و واقعیت خارجی مصداق وجود است نه ماهیت. درک و پذیرش آن در ابتدا دشوار است. آنچه در خارج می‌یابیم همه مصداق

وجودند. البته وجودهایی متفاوت با نقص و کمالات متفاوت. ذهن با نگاه به این وجودهای متفاوت متناسب با تفاوت‌ها و خصوصیات هر کدام، تصورات و مفاهیمی از قبیل آسمان،

درخت و... انتزاع می‌کند و آن وجودها را به این تصورات، نام‌گذاری می‌کند و از هم متمایز می‌کند و الا آنچه در خارج است، وجود است. این جهان هم چیزی جز وجود و حقیقت

وجود نیست.

**۲۳- قدم‌های رسیدن به درک وحدت حقیقت وجود را بیان نمایید. (نهایی: دی ۱۴۰۰)**

کج پاسخ: قدم اول ← اعتقاد دیرینه عارفان این است که هستی یک حقیقت است و کثرت‌های جهان اصالت ندارد. عرفا این را شهود می‌کردند و کمتر استدلال می‌کردند.

قدم دوم ← ملاصدرا که خود به عنوان یک عارف این مطلب را شهود کرده بود، می‌خواست این حقیقت را با برهان فلسفی اثبات نماید. رسیدن به اصالت وجود راه را

برای استدلال بر «وحدت وجود» باز نمود و تا اثبات فلسفی وحدت وجود قدمی کوتاه مانده بود.

قدم سوم ← همان قدم کوتاه است. اینکه ما از هر واقعیتی دو مفهوم بدست می‌آوریم: وجود و ماهیت؛ ماهیت هر شیء با دیگری متفاوت است اما مفهوم وجود در همه

یکی است. مفهوم وجود، مشترک میان همه اشیا است.

**۲۴- ملاصدرا چگونه با تلفیق بحث اصالت وجود، وحدت حقیقت وجود را تبیین نمود؟**

کج پاسخ: ملاصدرا گفت: حال که واقعیت اصالت با وجود است و وجود هم امر مشترک اشیاست پس حقیقت، یکی بیش نیست و جایی برای تکرار واقعی در عالم نیست.

**۲۵- کدامیک از اصول فلسفی حکمت متعالیه برای تبیین کثرت و تعدد در عالم است؟**

کج پاسخ: مراتب داشتن وجود.

**۲۶- نظریه مراتب داشتن وجود را از نظر ملاصدرا، توضیح دهید. (ملاصدرا انواع و تعدد را چگونه تبیین می‌کند؟)**

(نهایی: فراداد ۹۹، شهریور ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰)

کج پاسخ: از نظر ملاصدرا با اینکه هستی یک حقیقت واحد است اما این حقیقت واحد، دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است. وجود که حقیقت واحدی است در تجلیات و

ظهورات خود دارای مراتبی می‌شود و هر مرتبه‌ای از وجود، به میزان درجه وجودی خود، ظهور آن حقیقت واحد و یگانه است.

**۲۷- ملاصدرا برای بیان نظریه مراتب داشتن وجود از چه مثالی استفاده می‌کند؟ توضیح دهید.** (نهایی: شهریور ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰)

**پاسخ:** حقیقت واحد مانند یک کانون نور درخشان است که اشعه آن به میزانی که از کانون دور می‌شود، ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود و همین اختلاف در شدت و ضعف، سبب تمایز آنها از هم و پیدایش کثرت در جهان می‌گردد. (یک حقیقت به نام نور داریم که در مرتبه‌ای قوی و در مرتبه‌ای ضعیف است). نور یک حقیقت است اما شدت و ضعف دارد و خارج از حقیقت نور نیست. نور با چیزی ترکیب نشده تا قوی یا ضعیف شود. نور قوی از همان جهت که نور است قوی است، نور ضعیف از همان جهت که نور است ضعیف است. (با تاریکی ترکیب نشده تا ضعیف شود) - زیرا تاریکی، نبود نور است.

**۲۸- مفاهیم «نور» و «وجود» در فلسفه صدرایی چه تفاوتی با کاربرد این دو مفهوم در حکمت مشاء و اشراق دارد؟** (نهایی: خرداد ۱۴۰۰)

**پاسخ:** در فلسفه صدرایی، «وجود» که محور فلسفه مشایی بود و «نور» که اساس فلسفه اشراقی بود به هم می‌رسند و یک معنا و هویت می‌یابند.

**۲۸- مشخص نمایید هر یک از موارد زیر بیانگر کدامیک از اصول حکمت متعالیه می‌باشد:**

- (الف) در هزاران جام گوناگون شرابی بیش نیست / گرچه بسیارند انجم آفتابی بیش نیست : مراتب داشتن وجود  
 (ب) حُسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد / این همه نقش در آئینه اوهام افتاد: وحدت حقیقت وجود  
 (ج) که یکی هست و هیچ نیست جز او / وحده لا اله الا هو: وحدت حقیقت وجود  
 (د) گرچه برخیزد ز آب بحر موجب بی‌شمار / کثرت اندر موج باشد لیک آبی بیش نیست: مراتب داشتن وجود  
 (ه) وجود اندر کمال خویش جاری است / تعیین‌ها اموری اعتباری است: اصالت وجود  
 (و) این همه عکس می و نقش نگارین که نمود / یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد: وحدت حقیقت وجود  
 (ز) همو هم اول است و هم آخر هم ظاهر است و هم باطن و او به هر چیزی علیم است: وحدت حقیقت وجود

### سوالات خط به خط درس دوازدهم

**۱- فلسفه اسلامی در دوره معاصر با دوره‌های قبل، چه تفاوت عمده‌ای دارد؟**

**پاسخ:** تفاوت عمده این دوره، ورود فلسفه‌های جدید اروپا به جهان اسلام

**۲- ورود فلسفه‌های جدید در ایران معاصر، چه نتایجی به دنبال داشت؟**

**پاسخ:** ورود فلسفه‌های جدید به جوامع اسلامی، بازار مباحث فلسفی را وارد مرحله جدیدی کرد. این ورود در ایران همراه با نهضت مشروطه بود و تا به امروز ادامه یافت و کتاب‌های فلسفی فیلسوفان بزرگ اروپایی به زبان فارسی ترجمه شد و دانشجویانی برای آشنایی با مکاتب فلسفی اروپایی به آنجا رفتند و رشته‌های تحصیلی مربوط به فیلسوفان اروپایی در دانشگاه‌های ایران تأسیس شد و به تدریج اساتیدی وارد آموزش فلسفه شدند که متخصص تحلیل نظرات فلسفی یک یا چند فیلسوف مشهور اروپایی بودند.

**۳- نابسامانی‌هایی که پس از دولت صفوی، ایران را فراگرفت، چه نتایجی در حیات علمی و فلسفی به دنبال داشت؟**

**پاسخ:** ضعیف شدن حیات علمی و فرهنگی و از رونق افتادن همه علوم، از جمله فلسفه و برخوردار نبودن حیات فلسفی از شادابی با وجود تدریس فلسفه توسط چند فیلسوف نام آشنا

**۴- چه عواملی زمینه را برای حیات مجدد فلسفه در دوره معاصر فراهم نمود؟**

**پاسخ:** در اواخر حکومت قاجار که یک جنبش فکری و اجتماعی در ایران شکل گرفت و در فرهنگ جنب و جوشی پدیدار شد، مسئله‌های فلسفی جدیدی نیز مطرح شد که زمینه را برای حیات مجدد فلسفه فراهم کرد.

**۵- برخورد فیلسوفان ایرانی با فلسفه‌های اروپایی به چه صورت بود؟**

**پاسخ:** به این صورت بود که تلاش کردند با بهره‌گیری از ذخیره ارزشمند فلسفی خود، فلسفه‌های جدید اروپایی را بفهمند و ارزیابی کنند.